

مراومه کمیته اتحاد اسلام و بازخوانی آرمان‌های اسلامی نهضت جنگل

میثم عبداللهی^۱

منشأ حرکت میرزا کوچک‌خان یک منشأ صددرصد دینی و اعتقادی است. رفتار او هم یک رفتار دینی و اعتقادی است. امام خامنه‌ای

چکیده

رهبران نهضت جنگل، شعار «اتحاد اسلام» را شعار اصلی جنبش خود انتخاب کردند. آن‌ها کمیته‌ای از مجتهدین و بزرگان تشکیل دادند و این کمیته مراومه‌ای منتشر کرد که در آن علل شکل‌گیری نهضت و اهداف آن مشخص شده بود. این مراومه به طور آشکار به جنبه‌های اسلام‌خواهی نهضت تأکید کرده بود اما آنچه در متون تاریخی مربوط به نهضت کوچک جنگلی منتشر شد خلاف این آرمان را نشان می‌داد. اکنون بعد از گذشت بیش از ۹۰ سال از نهضت جنگل، با بررسی‌های عمیق‌تر و رجوع به اسنادی که از چشم محققان تاریخ دور نگه داشته شده بود این حقیقت آشکار

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تاریخ، حوزه علمیه قم





می‌شود که تاریخ‌نویسان نهضت جنگل به هر دلیلی با تحریف آشکار تاریخ، مرامنامه اصلی نهضت کوچک جنگلی را که کاملاً ماهیت اسلامی داشته است نادیده گرفته و مرامنامه فرقه دموکرات را که ربطی به آرمان‌های اسلامی نهضت جنگل نداشت به نام مرامنامه این نهضت معرفی کردند. این مسئله باعث شد تا مرامنامه اصلی پنهان بماند و عده‌ای فرصت‌طلب که حرفه‌ای جز تحریف تاریخ و مصادره نهضت‌های اسلامی به نفع جریان‌های وابسته به غرب و شرق ایدئولوژیک در ایران ندارند در مورد اصالت‌های اسلامی این نهضت تردید کرده و راه را برای وارونه‌نشان دادن تاریخ نهضت‌های بیداری اسلامی هموار سازند.

در این مقاله تلاش می‌شود ضمن معرفی مرامنامه کمیته اتحاد اسلام تفاوت‌های مبنایی این مرامنامه با مرامنامه دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد. با توجه به این که رهبر معظم انقلاب، نهضت جنگل و جمهوری گیلان را یک نمونه بسیار کوچک از تلاش‌های اسلامی ملت مسلمان ایران برای برپایی جمهوری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌داند که به شکل اولیه در دوران نهضت جنگل عملی گردید امیدواریم انتشار این اسناد بخشی از جفاکاری‌ها و تحریف‌های مورخین سکولار نسبت به آرمان‌های اسلامی نهضت جنگل را بر ملا سازد.

کلیدواژه‌ها: نهضت جنگل، میرزا کوچک جنگلی، کمیته اتحاد اسلام، فرقه دموکرات، جنبش‌های اسلامی

اصالت‌های مرامنامه کمیته اتحاد اسلام

سال‌ها پیش ابراهیم فخرایی در کتاب *سردار جنگل*، مرامنامه‌ای را به نام نهضت جنگل منتشر کرد^۱ که تا به امروز تصور می‌شود که این مرامنامه مربوط به نهضت جنگل، و آرمان‌های آن نیز آرمان‌های نهضت است. اخیراً در میان متونی که مربوط به دهه آخر قرن سیزدهم درباره گیلان بود اسناد و اطلاعاتی به دست آمد که به ویژه برای مشروطه و نهضت جنگل افقی نو را در پیش روی محققین باز می‌کند. این اسناد مربوط است به «مرامنامه و نظامنامه کمیته اتحاد اسلام» که در سال‌های میانی نهضت جنگل به صورت چاپ سنگی منتشر شد و در میان مردم پخش گردید و هنوز آثاری از آن در میان گنجینه‌های خانوادگی مردمان کهنسال این منطقه وجود دارد. از ویژگی‌های این مرامنامه آن است که یک متن کاملاً مترقی اسلامی است و مسائل

۱. ابراهیم فخرایی، *سردار جنگل*، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶، ص ۵۹-۵۶.

مختلفی در آن مطرح شده است؛ که با توجه به فضای شکننده و آلوده آن دوران در نوع خود جذاب می‌باشد. روح اسلامی تمام سند یعنی مقدمه، مرامنامه و نظامنامه را در بر گرفته است و بندهای این سند، آموزه‌های اسلامی را ارائه می‌کند.

مرامنامه‌ای که فخرایی در کتاب *سردار جنگل* منتشر کرد به این مرامنامه هیچ شباهتی ندارد. ما در این مقاله تلاش می‌کنیم مرامنامه فخرایی را نیز مورد بررسی قرار داده تا میزان صحت انتساب آن به نهضت جنگل مشخص شود.

مرامنامه‌ای که در این مقاله برای اولین بار منتشر می‌گردد «مرامنامه اتحاد اسلام» و مرامنامه‌ای که در کتاب *سردار جنگل* منتشر شده را «مرامنامه فخرایی» می‌نامیم. این مرامنامه با توجه به شواهدی که در آن وجود دارد مرامنامه کمیته اتحاد اسلام و نهضت جنگل است. روی جلد این مرامنامه به نام «کمیته اتحاد اسلام» و نیز «گیلان» و به سال ۱۳۳۶ قی تصریح شده است که این کلیدواژه‌ها از مختصات نهضت جنگل است.





در صفحه ۱ به گذشت ۱۲ سال از عمر مشروطه اشاره می‌کند که با توجه به اینکه مشروطه در سال ۱۳۲۴ ق آغاز شد پس سال نوشتن این مرامنامه با آنچه روی جلدش یعنی ۱۳۳۶ ق نوشته مطابقت دارد. در مقدمه این مرامنامه، اوضاع نابسامان و شکننده ایران به خوبی تشریح شده است. مثل تجاوز نظامی به خاک ایران و همکاری خائنین با اجانب. همچنین نویسندگان این مرامنامه در مقدمه، به سابقه مبارزات نهضت جنگل نیز اشاره کرده و می‌نویسند جنگلی‌ها «تقریباً از سه سال قبل تا امروز در زوایای جنگل گیلان» مشغول به مبارزه بودند؛ این مسئله با تاریخ آغاز نهضت گیلان، یعنی ۱۳۳۳ ق، مطابقت دارد.

در مقدمه این مرامنامه به انگیزه‌های اصلی تأسیس «کمیته اتحاد اسلام» نیز اشاره شده است و سه شعار اصلی نهضت یعنی: حفظ استقلال ایران، ایجاد حکومت ملی و اسلام خواهی به صراحت بیان شده است. این آرمان‌ها با مشی نهضت تطابق دارد و رهبران نهضت بارها در انظار عمومی و حتی نشریات خود بر این آرمان‌ها به ویژه به اسلامیت و ایرانی‌ت تأکید داشتند.^۱ کمیته اتحاد اسلام در یکی از شماره‌های روزنامه جنگل می‌نویسد:

ما قبل از هر چیز طرفدار استقرار استقلال مملکت ایرانیم، استقلالی به تمام معنی الکلمه یعنی بدون اندک دخالت و نظریاتی از هیچ دولت اجنبی و از این نقطه نظر تمام دول اجانب چه همجوار چه غیر همجوار در مقابل یکسانست... ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم و به این جمعیت مقدس منتسبیم ولی باید دانست که طرفدار اتحاد اسلامیم...^۲

در قسمت‌های دیگر نظامنامه هم که شرح «تأسیسات جمعیت اتحاد اسلام» رفته، بارها به این جمعیت اشاره شده است. با توجه به این دلایل تردیدی باقی نمی‌ماند که این مرامنامه مربوط به نهضت جنگل است و آنچه فخرايي و ديگر تحريف گران تاريخ تحت عنوان مرامنامه نهضت جنگل در آثار خود آورده‌اند ربطی به آرمان‌های نهضت جنگل و میرزا کوچک خان ندارد.

مرامنامه مذکور در هشت صفحه منتشر شده است. صفحه اول جلد یا شناسنامه است که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است و عنوان «مرامنامه و نظامنامه ایران - کمیته اتحاد اسلام - گیلان» را بر پیشانی دارد. تاریخ انتشار آن، سال ۱۳۳۶ ق (مطابق

۱. مرامنامه کمیته اتحاد اسلام، ص ۲.
۲. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۲۸، ص ۱، ص ۲.

۱۲۹۶ش) درج شده است. بی تردید بازخوانی این مرامنامه فضای جدیدی را برای جنبش جنگل به محققین عرضه خواهد کرد و وجهی دیگر از نهضت جنگل را به نمایش خواهد گذاشت. با پیدا شدن این مرامنامه، تغییرات زیادی در مطالعات پیرامون نهضت جنگل و میرزا کوچک به وجود خواهد آمد.

بازخوانی اهداف نهضت جنگل در چشم انداز مرامنامه اتحاد اسلام

امروزه اساسنامه‌ها و مرامنامه‌هایی که گروه‌های سیاسی تدوین می‌کنند بیانگر آرمان‌ها و اهدافشان است. در گذشته مرامنامه‌نویسی یکی از فعالیت‌های رایج گروه‌های سیاسی بود. مرامنامه مبین اهداف هر گروه و مرزبندی‌هایش با جریان‌های سیاسی - اجتماعی دیگر بوده است. بنابراین یکی از راه‌های شناخت نهضت جنگل بازخوانی آرمان‌ها و اهداف این نهضت از زبان مرامنامه است. در ابتدای این سند بعد از مقدمه به مهم‌ترین آرمان‌های جنبش جنگل به شرح زیر اشاره شده است:

۱. حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و رفع تجاوزات اجانب

۲. تحکیم مبانی حکومت ملی

۳. محافظت از اصول و قوانین مقدس اسلام

هیچ کدام از بندهای این مرامنامه با اصول اسلامی تعارض ندارد بلکه به اجرای قوانین مقدس اسلام تصریح شده است. این نکته مبین این مسئله است که نویسندگان مرامنامه، از مجتهدین و علما بوده‌اند و نیز کسانی که دغدغه اجرای احکام اسلامی را پی‌گیری می‌کردند؛ به همین خاطر یکی از ۳ شعار اصلی‌ای که مطرح کردند اسلام‌خواهی است.

با توجه به شکل و ترکیب کمیته اتحاد اسلام که مجتهدین طراز اول در آن حضور داشتند، به روشنی معلوم می‌شود که قلم و محتوای این مرامنامه کاملاً با افکار آن‌ها سازگار است و بدیهی است غرض این نهضت تشکیل حکومت مردمی بر پایه شعائر دینی و احکام و مقدسات دین مقدس اسلام است؛ چه اینکه در اعلام حکومت توسط نهضت جنگل، قوانین اسلام را در قالب جمهوری عرضه کردند و شعار تشکیل جمهوری اسلامی و انقلابی در رأس شعارهایشان قرار گرفت.

این آرمان‌ها در رهبری نهضت جنگل آنقدر مشهود بود که حتی ابراهیم فخرایی که میانه خوبی با روحانیت و اهداف اسلامی نهضت جنگل ندارد می‌نویسد:

مرکز ثقل و مغز متفکر جنگل را هیئت اتحاد اسلام تشکیل می‌داد که



افرادش به استثناء چند نفر، همه از علما و روحانیون بوده‌اند. این وضع که تعدادی از روحانیون زمام کار را به دست گرفته کارگردانی و رهبری امور انقلاب را عهده‌دار شده‌اند به مذاق عده‌ای گوارا نیامد و ترتیبی دادند که هیئت اتحاد اسلام به کمیته تبدیل شود و در نتیجه این تغییر نام، افراد غیر روحانی نیز توانستند به عضویت رسمی هیئت اتحاد اسلام در آیند و اکثریت اعضاء را به دست آورند.^۱

وی همچنین در سراسر کتاب به این مسئله اشاره می‌کند که «خود میرزا به طوری که قبلاً گفته‌ایم یک مرد دینی بیش نبود که همه مظاهر انقلاب را از دریچه دیانت می‌نگریست.»^۲

شاید به همین اعتبار بود که فخرايي و ساير مورخين سکولار نهضت جنگل، تلاش کردند در نگارش تاريخ اين نهضت به نوعی ریشه‌های اسلامی آن را پنهان ساخته و تاريخ اين نهضت را بر اساس ایدئولوژی خود تدوین نمایند؛ چون از اساس معتقد نبودند که روحانیت با تکیه بر آموزه‌های اسلامی بتواند یک جنبش بزرگ اجتماعی و سیاسی را رهبری کند. چنان که مصطفی شجاعیان نیز در کتاب خود که مورد تقدیر فخرايي قرار گرفته است به این اعتقاد کینه‌توزانه نسبت به روحانیت و اسلام اعتراف می‌کند و می‌نویسد: «روحانیت عقب‌مانده‌تر، کودن‌تر و ناآگاه‌تر از آن بود که بتواند به پیشقراول نهضتی انقلابی در عصر مبارزه با استعمار - ارتجاع مبدل شود.»^۳ اما رهبری میرزا در نهضت جنگل و رهبری مرحوم آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی شدن صنعت نفت و از همه مهم‌تر رهبری امام در نهضت پانزده خرداد سال ۴۲ بی‌اعتباری تمامی این تحلیل‌های استعماری را به اثبات رساند و ناتوانی و فقر تئوریک جریان‌های غیرمذهبی را در شناخت مسائل ایران و جهان نشان داد.

شاید حکومت پهلوی به همین اعتبار، اجازه نشر کتاب *سردار جنگل* را به یکی از کارگزاران خود داد چون بی‌میل نبود که در حافظه تاریخی ملت ایران از نهضت جنگل به عنوان یک نهضت با گرایش‌های اسلامی ناب چیزی باقی نماند. شاید جعل مرانامه حزب دموکرات به نام مرانامه نهضت جنگل توسط فخرايي و دیگران تحت تأثیر چنین القائاتی صورت گرفته باشد.

در مقدمه مرانامه نهضت جنگل به علل عقب‌ماندگی و پریشانی ملت ایران به درستی

۱. ابراهیم فخرايي، همان، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. مصطفی شجاعیان، *نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگل*، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۹، ص ۴۸.

اشاره شده است که چگونه بعد از مشروطه «دشمنان خارجی با کمک و مظاهره خائنین داخلی، آنی از دسیسه کاری و نیرنگ بازی در اعدام استقلال و تسریع دوره استرقاق ما غفلت و تأنی روا نداشته اند.» این قسمت اشاره به جنایت‌های انگلیس و روسیه در طول تاریخ ۱۲ ساله بعد از مشروطه دارد. این دو کشور متجاوز، ایران را اشغال کرده و با کمک شبه‌روشنفکران وابسته، شروع به چپاول ایران کردند. در این مقدمه به روشنفکران سکولار که به یادی غرب و شرق تبدیل شده و برای منافع آن‌ها تلاش می‌کند نیز اشاره شده است.

در ادامه نوشته است که این تجاوزها باعث شده تا ایران پیشرفت نکند و زیر چکمه استعمارگران، زندگی فلاکت‌باری داشته باشد. از علاقه‌مندان به «اسلامیت، ایرانیت، جبار منتقم و روح مقدس مؤسس آئین مطهر اسلام» کمک طلبیده تا دست به دست هم داده و ایران را از شر استعمارگران و خائنین داخلی نجات دهند. جالب است که چه قسم افرادی را برای مبارزه دعوت می‌کند و داشتن چه شروطی مثل پایبندی به خدا، پیامبر، اسلام و ایران را برای کسانی که به مبارزه دعوت می‌کند، ذکر کرده است.

بعد از آن به علل و انگیزه‌های ایجاد نهضت جنگل و کمیته اتحاد اسلام اشاره شده و گفته شده که «از سه سال قبل تا امروز در زوایای جنگل گیلان قیام به احیای ایران» کرده‌اند و در راه بیداری افکار مردم نیز از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. در نهایت از افراد مختلف دعوت می‌کنند که برای مبارزه با هم متحد شده تا کشور ایران را از این اوضاع اسفانگیز نجات دهند.

در صفحه ۳ اصلی‌ترین قسمت یعنی متن مرامنامه درج شده است. عنوان آن «مرامنامه جمعیت اتحاد اسلام ایران» است. این مرامنامه ۱۲ بند دارد که مهم‌ترین اصول آن در ۳ بند اول گنجانده شده است.

همان‌طور که گفته شد بند اول این مرامنامه به «حفظ استقلال و تمامیت ملکی ایران و رفع تجاوزات اجانب» اختصاص دارد. با مطالعه شرایط ایران در آن روزگار به این نتیجه می‌رسیم که اصلی‌ترین مشکل ایران نبود استقلال بود. در آن زمان جنگ جهانی اول به وقوع پیوست و ایران به رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ، از سوی دو کشور جنایت‌پیشه یعنی انگلیس و روسیه مورد تهاجم نظامی قرار گرفت. اسلام نمی‌پذیرد که کشور اسلامی مورد ظلم واقع شود و مورد تهاجم قرار گیرد. این اشغال، استقلال ایران را خدشه‌دار کرده و غرور ملی ایرانیان را جریحه‌دار می‌کرد. البته اشغال نظامی، زمینه‌ساز بستن قرارداد‌های استعماری، سوءاستفاده از منابع کشور و حتی استعمار را به دنبال



داشت. این مسئله که به خاطر ضعف دولت مرکزی بود، باعث شد تا جنبش‌هایی مثل نهضت جنگل، قیام شیخ محمد خیابانی، قیام دلیران تنگستان و قیام کلنل پسیان به وجود آید که شعار و انگیزه اصلی و اولی همه این‌ها دفع استعمار و تجاوزات آن‌ها از ایران بود.

البته نهضت فقط به فکر مقابله با اجانب نبود؛ بلکه می‌دانست که باید دست خائنین داخلی را نیز کوتاه کند چرا که همین خائنین هستند که زمینه استفاده اجانب را از منافع ایران فراهم می‌کنند. نهضت به طور صریح مقابله با خائنین داخلی را در بند ۸ مرامنامه گنجانده تا با این عمل ثابت کند که یکی از دغدغه‌های اصلی نهضت مقابله با این گروه است: «تشکیل محاکم برای محاکمه خائنین، بدون ملاحظه رتبه و مقام.» این بند را می‌توان مکمل بند اول دانست. افزودن این بند به مرامنامه، نهایت جدیت نویسندگان در برخورد با خائنین را می‌رساند. آن‌ها قائل بودند که بخشی از مشکلات کنونی کشور ناشی از عملکرد خیانت‌بار مسئولین دولتی بود. البته روشنفکران نیز به خوبی این مسئله را ثابت کرده بودند که در راه تأمین منافع غرب از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کنند. امضای قرارداد استعماری ۱۹۱۹ که دو سال بعد از تاریخ این مرامنامه صورت گرفت، از خیانت‌های این قشر به کشور و مردم بود.

بند ۲ از مرامنامه کمیته اتحاد اسلام به «تحکیم مبانی حکومت ملی» پرداخته است. حضور رژیم منحط قاجار در رأس امور کشور باعث شده بود تا ایران بیش از یک قرن در خوابی عمیق به سر برده و از پیشرفت باز بماند. علاوه بر این، ضعیف بودن دولت مرکزی به کشورهای سلطه‌گر این اجازه را می‌داد تا هر زمان که خواستند به ایران حمله کنند و با حربه‌های نظامی از دولت ایران امتیاز بگیرند. در زمان نهضت جنگل، داشتن یک دولت قدرتمند آرزوی هر ایرانی شده بود که بتواند جلوی تهاجم سلطه‌گران را گرفته و کشور را رو به پیشرفت ببرد.

بند سوم مربوط به «محافظة [از] اصول و قوانین مقدسه اسلام با رعایت احترام [به] سایر ادیان» است. این بند یکی از ۳ شعار اصلی نهضت است که در آن به طور صریح سخن از محافظت از قوانین اسلامی رفته است. با این تفصیلات معلوم می‌شود که جایگاه دغدغه‌های اسلام‌خواهی در میان نهضت جنگل در چه حدی بوده است و نهضتی که از اصل و اساس، «اتحاد اسلام» نامیده شود به معنای دغدغه اصلی صاحبان آن برای اسلام است. کمی جلوتر در شرط اول از شرایط عضویت اعضای کمیته اتحاد اسلام نوشته شده که «عضو باید مسلمان... بوده...» این قید جز اسلام‌خواهی و اولویت «مسلمان بودن»

بر سایر شروط عضویت، معنای دیگری ندارد.

بند ۴ به «ایجاد نظام ملی متحدالشکل برای اجرای مقصود» اشاره دارد که با توجه به نداشتن ارزش منظم، متحدالشکل و قدرتمند این مسئله از دغدغه‌های نهضت بود. البته بند ۱۱ این مرامنامه هم که «نظام، ملی و اجباری است» را می‌توان مکمل این بند دانست که در صدر تحقق این دو بند در صدد ایجاد ارتشی قدرتمند در ایران است. بند ۵ مربوط به «اعمال مظاهر تامة در رفع تعدیات و اجحافات از طبقه برزگران و صنعتگران و سوداگران و عملجات» است. با توجه به وضعیت قشرهای مستضعف مثل برزگران، سوداگران و کارگران که زیر فشار و تعدی زورگویان و حتی حکومت قرار داشتند باید برای آنها فکری اساسی می‌شد. حمایت از قشر مستضعف که در انقلاب اسلامی ایران نیز جایگاه به خصوصی دارند، مورد تأکید نهضت جنگل هم بوده و از دغدغه‌های اصلی نهضت بوده است.

در بند ۶ مسئله «تکریم عموم فرق آزادی خواه بدون ملاحظه نژاد و ملیت» نوشته شده است. این بند اشاره دارد که تلاش برای آزادی انسان‌ها از یوغ استبداد و استعمار، امری مطلوب است و باید به این تلاش ارج نهاده شود. طبیعی است که این تلاش مقید به نژاد و ملیت خاصی نیست و هر کس در راه رهایی انسان‌ها تلاش کند کار ارزشمندی انجام داده است.

بند ۷ که شامل «نسخ و القای تحمیلات و عوارضات غیر قانونی» است اشاره به اوضاع آن زمان ایران دارد که بعضی از ثروتمندان، مسائلی را به رعایا و فقرا تحمیل می‌کردند و با عناوین مختلف از آنها پول می‌گرفتند. این بند در صدد است تا این مسئله را در ایران ریشه کن کرده و گرفتن عوارض و مالیات و غیره را در چارچوب قانون تعیین کنند و انجام دهند.

بند ۹ به «اصلاح ادارات طبق اصول بیم و امید» پرداخته است. این بند به ریشه کن کردن فساد اداری باز می‌گردد؛ به این معنا که اگر کارمند اداره‌ای کار خود را خوب انجام داد تشویق شود و اگر بد انجام داد تنبیه شود. در صورتی که بین کارمند خوب و بد فرقی نباشد یا در بعضی از مواقع کارمند بد هم تشویق شود، این مسئله فسادزا است و ادارات و جامعه را دچار فساد خواهد کرد. این بند در صدد اصلاح ادارات طبق تشویق خادم و تنبیه خطاکار است.

بند ۱۰ مربوط به «تعلیم اجباری و حفظ خصایص ملت» است. اغلب مردم ایران در زمان نهضت جنگل بی سواد بودند و این بی سوادی در بعضی مواقع باعث ایجاد فساد در



جامعه می‌شد. تشویق به علم‌آموزی و یادگیری سواد از مسائلی است که در اسلام به آن تأکید زیادی شده است. به همین خاطر از شعارهای اصلی نهضت جنگل، ایجاد فضایی برای تحصیل همه مردم و حتی اجباری شدن مقداری از سواد است. قسمت دوم این بند که به حفظ خصائص ملت اشاره دارد در صدد است تا آداب و رسوم رایج میان مردم را حفظ کند که بخشی از این آداب و رسوم، فرهنگ اسلامی است که آن را میان مردم ترویج کنند.

آخرین بند مرامنامه که بند ۱۲ است به این امر اختصاص یافته است: «مالیات از عایدات، مأخوذ خواهد شد.» این بند به یکی از راه‌های اصلی حفظ و استمرار حیات دولت اشاره دارد و شاهره اصلی تأمین اقتصادی دولت را از راه مالیات دانسته است و یکی از اصلی‌ترین وجوه گرفتن مالیات، مالیات از عایدات است. این بند ما را متوجه این موضوع می‌کند که اعضای کمیته اتحاد اسلام در صدد بودند تا حکومت تشکیل دهند و به حدی در این امر جدی بودند که از راه ممر درآمد دولت نیز غافل نبودند.

از صفحه ۴ عنوان «تشکیلات جمعیت اتحاد اسلام ایران» وجود دارد و مربوط به نظامنامه ساختار جمعیت اتحاد اسلام و جزئیات آن است. در ابتدای نظامنامه، به تأسیسات جمعیت اتحاد اسلام عبارت از کمیته مرکزی، کمیته‌های ایالتی و ولایتی و کمیته‌های محلی اشاره شده است. در همین صفحه شرایط عضویت در این جمعیت و نحوه تشکیل کمیته ذکر گردیده و در صفحه بعد نحوه برگزاری انتخابات برای تشکیل کمیته با عنوان «ترتیب انتخاب» بیان شده است. از صفحه ۶ به وظایف کمیته‌ها پرداخته شده و در پایان با یک متمم، مرامنامه به پایان رسیده است. در مجموع ۲۴ بند به عنوان نظامنامه تشکیلات جمعیت اتحاد اسلام ذکر شده است.

این نظامنامه ساختار تشکیلات هیئت اتحاد اسلام را در ایران - و نه فقط در گیلان - تشریح کرده است که بعد از تشکیل حکومت، باید از چه ساختاری تبعیت کنند و چگونه به اداره حکومت بپردازند. اما آنچه در این متن دیده می‌شود ناشی از عزم نویسندگان این سند، برای ایجاد حکومت دینی در سرتاسر ایران است. آن‌ها ساختار کمیته اتحاد اسلام را نه برای اداره گیلان بلکه برای اداره ایران نوشتند. پس قرار نبود که نهضت محدود به دایره گیلان باقی بماند بلکه حکومت اسلامی را برای همه ایرانیان در نظر داشتند. در مقدمه مرامنامه نوشته‌اند که «از سه سال قبل تا امروز در زوایای جنگل گیلان قیام به احیای ایران و اعاده حیثیت تاریخی این سرزمین نموده ایم.» همان طور که نوشته‌اند گیلان اولین قدم و پایگاه اولیه برای رسیدن به ایران بود. در بندهای متعدد نظامنامه

مثل بندهای ۹ و ۱۰، حرف از کمیته‌های ایالتی و ولایتی است که چون گیلان تنها یک ایالت محسوب می‌شد پس حرف از کمیته‌های ایالتی و ولایتی، باطل بود؛ پس معلوم است که همه ایران مدنظر است. اگر هم در جایی حرف از مرکزیت گیلان است، قید موقت در آن لحاظ شده است؛ مثل بند ۱۱ و ۲۳ نظامنامه که محل کمیته مرکزی را موقتاً گیلان دانسته است. آن‌ها دغدغه ایجاد حکومت در سراسر ایران را داشتند و تلاش‌شان هم معطوف به این مسئله بود که جمهوریت دینی را برای همه مردم ایران بخواهند.

با این ترتیب، این سند تاریخی در مجموع دارای یک مقدمه، یک مرامنامه در ۱۲ بند و یک نظامنامه در ۲۴ بند است. محل انتشار آن مشخص نیست ولی با توجه به اینکه مطبوعه جنگل، در کسما قرار داشت و روزنامه جنگل در همین زمان در این ناحیه منتشر می‌شد، می‌توان گفت که این مرامنامه نیز در آنجا منتشر شده است.

معرفی مرامنامه فخرایی

پس از آشنایی با مرامنامه کمیته اتحاد اسلام یک سؤال باقی می‌ماند و آن اینکه نسبت مرامنامه فخرایی با نهضت جنگل چیست و آیا این مرامنامه هم توسط نهضت نگارش یافته است؟

برای اینکه به این سؤال جواب دهیم باید ابتدا با ابراهیم فخرایی - مؤلف کتاب سردار جنگل - آشنا شویم. بنا به ادعای ابراهیم فخرایی، وی یکی از اعضای نهضت جنگل بود که در یک دیدار در اواخر سال ۱۲۹۷ ش شیفته میرزا کوچک شده و به نهضت پیوست.^۱ بعد از شهادت میرزا کوچک مدت کوتاهی بازداشت بود و بعد از آن به خدمت دستگاه رضاخان در آمد و در عرصه سیاست‌های فرهنگی، همگام با رژیم رضاخان تلاش کرد و در مجلات مختلف با این مشی می‌نوشت و مجله فروغ را با همین نگاه در رشت منتشر می‌کرد.^۲ او در این دوره به خوبی به رژیم رضاخان و بعد پسرش محمد رضا خدمت کرده و کوچک‌ترین تخطی نمی‌کرد. او در دوران بازنشستگی شروع به نوشتن چند کتاب کرد که اولین و مهم‌ترین آن‌ها کتاب سردار جنگل است.

فخرایی در سال ۱۳۴۴ این کتاب را منتشر کرد و در آن، مرامنامه‌ای را به عنوان

۱. ابراهیم فخرایی، *نمادی از یک زیست*، مندرج در یادگارنامه فخرایی، زیر نظر رضا رضا زاده لنگرودی، تهران، نو، ۱۳۶۳، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۶۳-۶۱، ۸۰-۷۹، ۸۴.



مرامنامه نهضت جنگل درج کرده است.^۱ او مرامنامه‌اش را در سه صفحه از کتاب سردار جنگل آورده است. این مرامنامه در ۹ ماده و ۳۴ بند تنظیم شده است. تا به امروز مرامنامه فخرایی، معروف‌ترین سندی بود که پیرامون آرمان‌ها و اهداف نهضت جنگل، وجود داشته و مورد مطالعه و دقت قرار می‌گرفت تا جایی که در بسیاری از آثاری که پیرامون نهضت جنگل نگاشته شده از کتاب سردار جنگل نقل شده و نیز پیرامون آن مقالاتی نوشته شده و مسئولین کشوری هم در طول این سال‌ها در پیام‌هایی که برای نكوداشت میرزا کوچک می‌فرستادند از این کتاب و این مرامنامه استفاده می‌کردند. برای اینکه میزان صحت انتساب این مرامنامه را به نهضت بدانیم، باید مرامنامه را در دو محور محتوا و سند مورد بررسی قرار دهیم.

بررسی محتوایی مرامنامه فخرایی

مرامنامه فخرایی بندهایی را در خودش جا داده که در زمان خود، به ظاهر تحسین آزادی خواهان را بر می‌انگیخت. به عنوان نمونه در امور سیاسی، قوای عالیه را در دست نمایندگان ملت و همچنین وزرا را منتخب نمایندگان ملت و پاس‌خگو به آنان دانسته است. در حقوق مدنی به مصونیت شخص و مسکن از هر نوع تعرض، و حقوق بازنشستگی برای افراد ۶۰ ساله می‌توان اشاره کرد. نحوه برگزاری انتخابات، اقتصاد، معارف، روحانیت، اوقاف، قضاوت، دفاع، کار و حفظ‌الصحه از سایر اموری است که در این مرامنامه بدان اشاره شده است.

البته این مرامنامه دارای چند اشکال اساسی است که با روح اسلامی نهضت در تعارض است. این نوع اشکالات از نهضتی که در رأس آن «هیئت اتحاد اسلام» و بعد «کمیته اتحاد اسلام» که متشکل از مجتهدین برجسته‌ای چون آیت‌الله سید عبدالوهاب صالح ضیابری، آیت‌الله سید محمود روحانی، آیت‌الله شیخ علی علم‌الهدی، آیت‌الله میرزا محمدرضا حکیمی و روحانی صاحب‌نامی چون میرزا کوچک بودند، سازگاری ندارد. یکی از مهم‌ترین اشکالات مرامنامه مذکور مربوط به ماده پنج مرامنامه است.

در ماده پنجم مرامنامه فخرایی که به «معارف، روحانیت و اوقاف» اختصاص دارد، بند ۱۸ به «انفکاک روحانیت از امور سیاسی و معاشی»^۲ پرداخته است. انفکاک روحانیت از امور سیاسی به معنای جدایی دین از سیاست است. روحانیت که متولیان دین در

۱. ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، همان، ص ۵۸-۵۶.

۲. همان، ص ۵۸.



جامعه هستند و با حضور به موقع در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی، کشور را بارها از افتادن به دامن استعمارگران حفظ کرده‌اند، با توجه به این بند دیگر نباید در امور سیاسی ورود کنند. از نتایج این امر آن است که دین یک امر شخصی و فردی شده و دیگر در امور جامعه هیچ جایگاهی نخواهد داشت و به دینی خنثی تبدیل می‌شود که برای مستکبرین هیچ خطری ندارد. در بند بعد مرامنامه به این مسئله تصریح شده که دین باید یک امر کاملاً شخصی شود: «دیانت چون از عواطف قلبیه است باید مصون از تعرض باشد.» استعمارگران بعد از اینکه از روحانیت شیعه، احساس خطر کردند و وجود دینی پویا که دائماً با زندگی فردی و اجتماعی مردم در تماس است را برای خود مضر می‌دیدند دست به ایجاد شبهات زده تاروحنایت را از ورود به مسائل اجتماعی و سیاسی بازدارند. با وجودی که فخرایی در جای جای کتاب به این حقیقت اعتراف می‌کند که میرزا کوچک خان یک عالم دینی بود و از زاویه دین به انقلاب نگاه می‌کرد و بنابر اقتضانات مبارزه، لباس روحانیت را به لباس رزم مبدل کرده بود، چطور می‌توان پذیرفت که او به جدایی دین از سیاست قائل بوده و این بند را پذیرفته است؟! در صورتی که کسی قائل باشد که این تفکر در نهضت جریان داشت، دیگر نمی‌توان نهضت جنگل را از نوع نهضت‌های دینی دانست. چگونه می‌توان پذیرفت نهضتی که مؤسسين آن مجتهدین بودند و در رأس آن روحانی خوشنامی چون میرزا کوچک قرار داشت و سال‌ها به قصد ایجاد حکومت دینی تلاش کرد، دچار تفکر جدایی دین از سیاست بود؟! اشکالات دیگری از نظر تعالیم اسلامی در مرامنامه وجود دارد که که موضوع بررسی این مقاله نیست و نشان می‌دهد که این مرامنامه نمی‌تواند توسط جمعیت اتحاد اسلام و در رأس آن رهبر نهضت جنگل یعنی میرزا کوچک خان صادر شده باشد.

بررسی سندی مرامنامه فخرایی

بعد از بررسی اجمالی محتوایی مرامنامه فخرایی نوبت به بررسی صلاحیت سندی این مرامنامه و انتساب آن به نهضت جنگل می‌رسد. البته قبل از ورود به بحث باید گفته شود که یکی از عمده دلایلی که باعث شده تا پیرامون مرامنامه نهضت جنگل تشکیک شود این است که هیچ مرامنامه‌ای در روزنامه جنگل که محل نشر افکار نهضت بود، درج نشده است.

۱. فخرایی مرامنامه‌ای که در کتابش آورده را مرامنامه فرقه (حزب) اجتماعین



می‌داند. او در مقدمه این مرامنامه چنین می‌نویسد:

آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقیقی و تساوی افراد انسانی، بدون فرق نژاد و مذهب در طول زندگانی و حاکمیت اکثریت، به واسطه منتخبین ملت پیشرفت این مقاصد را فرقه «اجتماعیون» به موارد ذیل تعقیب می‌نمایند.^۱

الف. در این متن که فخرایی آن را به عنوان مقدمه مرامنامه ذکر کرده، تصریح شده که این مرامنامه مربوط به «فرقه اجتماعیون» است. فرضاً بپذیریم که این مرامنامه مربوط به فرقه اجتماعیون است، سؤال این است: چه دلیلی وجود دارد که منظور از فرقه اجتماعیون همان نهضت جنگل است؟ اگر سایرین به نهضت جنگل، فرقه اجتماعیون می‌گفتند و یا حداقل در برهه‌ای از زمان، آن‌ها نام اجتماعیون را بر خود گذاشته بودند، باید به این مسئله در جایی از کتب و اسناد اشاره شده باشد. جالب است که در هیچ جاز همین کتاب *سردار جنگل* - که خود فخرایی نوشته - نهضت جنگل «فرقه اجتماعیون» نامیده نشده است. نه تنها در این کتاب بلکه در اسناد و آثار دیگری هم که درباره نهضت نوشته شده، هیچ کدام از نهضت جنگل با عنوان «فرقه اجتماعیون» نام نبرده‌اند.

ب. دو حزب اجتماعیون و دموکرات از زمان مشروطه دوم در ایران فعالیت می‌کردند و برای همه شناخته شده بودند. سران این دو حزب اکثراً از فراماسون‌ها و روشنفکران سکولار بودند. طبیعی است که اگر میرزا کوچک، روش سیاسی این دو حزب را می‌پذیرفت و فعالیت‌های آن‌ها را قبول داشت، می‌توانست عضو یکی از این دو حزب شود و تحت نام آن‌ها به طور رسمی مبارزه کند. در این صورت دیگر نیازی نبود تحت نامی غیر از این احزاب، مبارزه خود را پی‌ریزی کند و «هیئت اتحاد اسلام» را تأسیس کند. با توجه به این دو دلیل، نمی‌توان پذیرفت که منظور از فرقه اجتماعیون، نهضت جنگل است.

۲. در متن مرامنامه فخرایی هیچ اشاره‌ای به نهضت جنگل نشده و اگر کسی این مرامنامه را فارغ از کتاب *سردار جنگل* بخواند، هیچ دلیلی یا نشانی دال بر انتساب این مرامنامه به نهضت نمی‌بیند.

۳. فخرایی در کتاب *سردار جنگل*، اسناد زیادی را منتشر کرده است و در بسیاری از موارد اصل این اسناد را - که بعضی از آن‌ها ارزش چندانی ندارد - منتشر کرده است. ولی درباره مرامنامه نهضت - که مهم‌ترین سند نهضت است - نه تنها اصل این سند را

۱. همان، ص ۵۶.

منتشر نکرده بلکه آنچه راهم که نقل کرده هیچ منبعی برای نقل خود ذکر ننموده است. ۴. با کمی جست‌وجو در می‌یابیم که مرامنامه فخرايي، مرامنامه فرقه اجتماعيون هم نیست بلکه مرامنامه حزب رقیبش یعنی حزب «دموکرات عامیون» است که با حذف مقدمه و اعمال تغییراتی جزئی در کتاب *سردار جنگل* به عنوان مرامنامه جنگل آورده شده است. آوردن مرامنامه دموکرات‌ها به اسم اجتماعيون باعث شده تا ذهن‌ها از سوی مرامنامه حزب دموکرات منحرف شود و کسی سراغ این مرامنامه نرود تا آن را با مرامنامه جنگل تطبیق کند. نسخه اصلی مرامنامه حزب دموکرات نیز در آرشیو مؤسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان موجود است. با مقایسه تطبیقی این دو مرامنامه به این نتیجه می‌رسیم که مرامنامه‌ای که در کتاب *سردار جنگل* چاپ شده، همان مرامنامه حزب دموکرات است که مقدمه‌اش حذف شده و متن بازنویسی شده و تغییرات جزئی در آن صورت گرفته است.

چاپ پنجم مرامنامه فرقه دموکرات در سال ۱۳۲۹ ق یعنی مطابق ۱۲۸۹ ش در تهران انجام شده است - که این تاریخ ۴ سال پیش از آغاز نهضت جنگل است - و تاریخ تدوین اصل این مرامنامه مدتی پیش از این تاریخ بوده است.

حزب یا همان فرقه دموکرات یکی از دو حزب فعال کشور در زمان مشروطه و نهضت جنگل بود. این حزب تندروترین جریانی بود که در ایران فعالیت می‌کرد و رهبری آن به دست مهره‌های برجسته انگلوفیل چون تقی‌زاده بود. اعضای این حزب مخالفین‌شان را با برچسب‌هایی چون «مرتجع» می‌کوبیدند و با هر وسیله‌ای حتی ترور، آن‌ها را از سر راه خود بر می‌داشتند. ملک‌الشعراي بهار قسمت‌هایی از مرامنامه این حزب را چنین بیان می‌کند: انفکاک قوه سیاسی از قوه روحانی، ایجاد نظام اجباری، تقسیم املاک بین رعایا، قانون منع احتکار، تعلیم اجباری، بانک فلاحتی، ترجیح مالیات غیر مستقیم بر مستقیم.^۱ فریدون آدمیت هم به بخش‌هایی دیگر از این مرامنامه اشاره کرده است.^۲

این مرامنامه ظاهراً یک متن مترقی است و در آن به مسائل بسیاری چون انتخابات، آزادی‌های فردی و اجتماعی، زنان، تعلیمات عمومی، مالکیت اراضی و... اشاره شده است، چرا که این مسائل در آن زمان بسیار نو و جذاب به شمار می‌رفتند. البته باید گفت که همان‌طور که انتظار می‌رفت این مرامنامه نیز از فکر و قلم روشنفکران ایرانی تراوش نکرده بلکه ترجمه مقلدانه از متون احزاب غربی است فلذا دچار کاستی‌هایی می‌باشد.

۱. ملک‌الشعراي بهار، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۲-۸.

۲. فریدون آدمیت، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران، پیام، ۱۳۶۳، ص ۱۲۶-۱۲۲.



عین السلطنه سالور در این باره می‌نویسد: «مرامنامه حزب دموکرات فرانسه یا انگلیس را ترجمه کرده [اند] چه ربط به ایران و مردم ایران و وضع ایران و مزاج مملکت دارد؟!»^۱

تطبیق مرامنامه فخرایی با مرامنامه فرقه دموکرات

در اینجا برای آنکه میزان شباهت مرامنامه فخرایی با مرامنامه حزب دموکرات مشخص شود به اجمال بعضی از بندهای مرامنامه فخرایی را با نسخه اصلی مرامنامه حزب دموکرات تطبیق می‌دهیم.

۱. مرامنامه فخرایی در ۹ ماده به این ترتیب تنظیم شده است: امور سیاسی، حقوق مدنی، انتخابات، اقتصاد، معارف - روحانیت - اوقاف، قضاوت، دفاع، کار، حفظ الصحة.^۲ مرامنامه فرقه دموکرات هم در ۷ فصل تنظیم شده است: سیاسی، حقوق مدنی، قانون انتخابات، قضاوت، امور روحانی و معارف، دفاع ملی، اصول اقتصادی.^۳ همان طور که می‌بینید تمام ۷ فصل از مرامنامه فرقه دموکرات در مرامنامه فخرایی هم وجود دارد با این تفاوت که فخرایی دو ماده کار و حفظ الصحة را به آن افزوده است. اکثر اصول مرامنامه فخرایی نیز به همین ترتیب در مرامنامه فرقه دموکرات ذکر شده است. ۱. اولین بند از مرامنامه فخرایی که به امور سیاسی اختصاص دارد از این قرار است: «حکومت عامه و قوای عالیه در دست نمایندگان ملت جمع خواهد شد.»^۴ اولین بند از مرامنامه حزب دموکرات هم به همین معنا است: «قدرت عالیه دولت جمع خواهد شد در دست مجلس شورای ملی که فقط آن [مجلس] حق وضع قوانین [را] خواهد داشت.»^۵

۲. در سومین بند از مرامنامه فخرایی که ذیل مواد مربوط به امور سیاسی نگاشته شده است، آمده: «کلیه افراد بدون فرق نژاد و مذهب از حقوق مدنی به طور مساوی بهره‌مند خواهند بود.»^۶ در مرامنامه فرقه دموکرات، این ماده به عنوان ماده سوم از مرامنامه و ماده اول از حقوق مدنی ذکر شده است: «تساوی همه افراد ملت در مقابل دولت و قانون بدون فرق نژاد، مذهب و ملیت.»^۷

۱. قهرمان میرزا سالور عین السلطنه، روزنامه *خاطرات عین السلطنه*، مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۵۱۸.

۲. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۹-۵۶.

۳. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، مطبعه حبل‌المتین، تهران، ۱۳۲۹، ص ۱۵-۱۰.

۴. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۶.

۵. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، همان، ص ۱۰.

۶. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۷.

۷. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، همان، ص ۱۱.



۳. بند ۴ مرامنامه فخرایی به «آزادی تامه افراد انسان در استفاده کامل از قوای طبیعی خود»^۱ اختصاص دارد. این بند شباهتی به ماده سوم حقوق مدنیه مرامنامه فرقه دموکرات دارد که «آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، جمعیت‌ها، تعطیل»^۲ است.^۳

۴. مرامنامه فخرایی در بند ۷ از این قرار است: «آزادی فکر، عقیده، اجتماعات، مطبوعات، کار، کلام، تعطیل»^۴. این مسئله در بند ۵ از مرامنامه فرقه دموکرات و در ماده سوم از حقوق مدنیه ذکر شده است: «آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، جمعیت‌ها، تعطیل»^۵. دقت کنید که چقدر در الفاظ یکی هستند.

۵. دو بند ۱۶ و ۱۷ مرامنامه فخرایی که به «معارف، روحانیت و اوقاف» اختصاص دارد از این قرار است: «تعلیمات ابتدایی برای کلیه اطفال مجانی و اجباری است.» و «تحصیلات متوسطه و عالی‌ه برای اطفالی که استعداد داشته باشند مجانی و حتمی است.»^۶ این دو بند مستخرج از بند دوم از امور روحانی و معارف مرامنامه فرقه دموکرات است: «تعلیم مجانی و اجباری برای همه افراد ملت.»^۷

۶. ماده ۱۸ مرامنامه فخرایی که یکی از مواد جنجالی این مرامنامه است از این قرار است: «انفکاک روحانیت از امور سیاسی و معاشی.»^۸ این بند را می‌توان مطابق با بند اول از امور روحانی و معارف مرامنامه فرقه دموکرات دانست: «ماده اول - انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانیه.»^۹

بند ۱۹ مرامنامه فخرایی: «دیانت چون از عواطف قلبیه است باید مصون از تعرض باشد.»^{۱۰} این بند مطابقی در مرامنامه فرقه دموکرات ندارد ولی می‌توان حدس زد که ترجمانی دیگر از انفکاک سیاست و دیانت است و برای رفع حساسیت‌ها، این بند را به طور خاص افزوده‌اند تا بگویند که اگر دین را جدای از سیاست دانستیم در عوض باید مصون از تعرض باشد.

اگر چه شباهت‌های دیگری نیز در بندهای این دو مرامنامه وجود دارد که به منظور

۱. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۷.

۲. به نظر می‌رسد واژه «تحصیل» درست باشد.

۳. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، همان، ص ۱۱.

۴. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۷.

۵. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، همان، ص ۱۱.

۶. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۷.

۷. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، همان، ص ۱۲.

۸. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۸.

۹. مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران عامیون، همان، ص ۱۲.

۱۰. ابراهیم فخرایی، همان، ص ۵۸.



پرهیز از اطاله کلام از ذکر آن خودداری می‌کنیم ولی با کمی دقت در مرامنامه فخرایی و مقایسه آن با مرامنامه فرقه دموکرات نمی‌توان تردید کرد که این مرامنامه از مرامنامه فرقه دموکرات اقتباس شده است و سنخیتی با آرمان‌ها و اهداف نهضت جنگل ندارد.

نتیجه

با تفصیلاتی که ذکر کردیم مرامنامه کمیته اتحاد اسلام مرامنامه‌ای است که در زمان نهضت منتشر شده و انتشار مجدد آن باعث می‌شود که وجوه اسلامی نهضت به خوبی شناخته شود. اما درباره مرامنامه فخرایی، با توجه به اشکالات سندی و محتوایی که در آن وجود دارد، چند فرض محتمل است:

۱. بعد از ورود روس‌های بلشویک به گیلان، اعضای نهضت می‌خواستند از روس‌ها عقب نمانند، فلذا با دستکاری جزئی مرامنامه حزب دموکرات، مرامنامه به‌ظاهر جدیدی را تدوین و منتشر کردند. در کتاب *تاریخ/انقلاب جنگل* - که از فخرایی نقل کرده ولی او هم مثل فخرایی منبعی ذکر نکرده - گزارشی در تأیید این احتمال وجود دارد:

جنگلی‌ها پس از ورود روس‌های انقلابی به ایران، برای آنکه در مقابل فرقه و مرام کمونیسم دارای مرام و تشکیلات حزبی باشند خود را اجتماعيون نامیده و مرامنامه زیر را به اکثریت تصویب نمودند.^۱

این احتمال به سه دلیل مردود است:

الف. جنگلی‌ها مرامنامه اتحاد اسلام را از سال ۱۲۹۶ ش داشتند و این مرامنامه، هم مرامنامه و هم نظامنامه تشکیلات کمیته اتحاد اسلام بود و در متن آن ساختار دقیق و ارزشمندی از تشکیلات را برای آینده نهضت ترسیم کرده بود؛ با وجود این مرامنامه مترقی، دیگر چه نیازی بود تا در زمان ورود بلشویک‌ها (سال ۱۲۹۹ ش) مقابل فرقه و مرام کمونیسم احساس کمبود کنند و مرامنامه مترقی اتحاد اسلام را که به صورت کاملاً بومی و با فکر اسلامی نوشته شده بود را نادیده گرفته و مرامنامه دیگری بنویسند؟!

ب. اگر جنگلی‌ها می‌خواستند با الهام از «فرقه اجتماعيون» خود را اجتماعيون بنامند پس چرا مرامنامه حزب «دموکرات» را که رقیب سرسخت اجتماعيون بود برای الگوگیری انتخاب کردند؟! عقل حکم می‌کند که مرامنامه فرقه اجتماعيون عاميون را برای الگو انتخاب کنند!

و اگر گفته شود که جنگلی‌ها بدون توجه به فرقه اجتماعيون، خودشان را اجتماعيون

۱. محمدعلی گیلک (خمامی)، *تاریخ/انقلاب جنگل*، گیلکان، رشت، ۱۳۷۱، ص ۵۲۷/ گیلک در کتابش، اغلب نامه‌ها و اسنادی که فخرایی آورده را ذکر کرده ولی هیچ منبعی بیان نکرده است.

نامیدند؛ در این صورت باید پرسید که هیچ اسمی در آن زمان یافت نمی‌شد که بر خود بگذارند تا بعدها به خاطر انتساب به حزبی بدنام مورد اتهام قرار نگیرند؟!

ج. همان‌طور که گفتیم اگر نهضت جنگل خود را اجتماعيون نامیده بود، باید در اسنادی که بر جای مانده و آثاری که درباره نهضت نوشته شده به این مسئله اشاره می‌شد که چنین نیست.

۲. جناح میرزا کوچک به مرامنامه اتحاد اسلام اعتقاد داشتند و آن را برای اهداف خود نوشته بودند ولی جناح مقابل که به ریاست احسان‌الله خان بود مرامنامه فخرایی را تدوین کرده بود.

این احتمال نیز به دو دلیل مردود است:

الف. سران حزب دموکرات چون تقی‌زاده و حسینقلی خان نواب به انگلیسی بودن شهره عام و خاص بودند و سیاست‌های این حزب مطابق منافع انگلیس تنظیم می‌شد. ولی جناحی که در نهضت به سرکردگی احسان‌الله به وجود آمد، به ضدیت با انگلیس تظاهر می‌کرد و با هر چیزی که به انگلیس منسوب می‌شد می‌جنگید. این جناح برگرفته از سیاست‌های شوروی بود که کاملاً با انگلیس تضاد داشت. با این اوصاف استفاده از مرامنامه حزب دموکرات - که در آن موقع بیش از پنج بار چاپ شده بود و در دسترس همه بود - از جناح احسان‌الله خان بسیار بعید است؛ چرا که وجهه ضد انگلیسی آن‌ها را مخدوش می‌کرد.

ب. جناح احسان‌الله خان زمانی که با کودتای کمونیستی فضای نهضت را به دست گرفته و میرزا کوچک به جنگل عقب نشسته بود، دست به انتشار مرامنامه‌ای دیگر زدند. این مرامنامه که «مرام فرقه انقلابیون ایران» نام دارد تاریخ انتشار ندارد با امضای کمیته مرکزی انقلاب است.^۱ متن «پروگرام یا دستور حوزه‌های انقلابی» هم با امضای همان کمیته در ۶ جدی (دی ماه) ۱۲۹۹ ش منتشر شد.^۲ با توجه به اینکه معمولاً نظامنامه یا پروگرام یا دستورنامه همراه با مرامنامه یا اندکی بعد از آن منتشر می‌شد پس می‌توان گفت که مرامنامه فرقه انقلابیون هم در اوایل دی ماه ۱۲۹۹ ش یا اندکی قبل از آن منتشر شده است. پس با این اوصاف نمی‌توان گفت که مرامنامه فخرایی، به دست جریان احسان‌الله خان تدوین شده چرا که آن‌ها وقتی دستشان رسید، مرامنامه دیگری تدوین کردند که هیچ شباهتی با مرامنامه فخرایی ندارد.

۱. مرام فرقه انقلابیون ایران، (چاپ سنگی)، با امضای کمیته مرکزی انقلاب ایران و مهر کمیته انقلاب ایران.
۲. پروگرام یا دستور حوزه‌های انقلابی، (چاپ سنگی)، به تاریخ ۶ جدی ۱۲۹۹، با مهر کمیته انقلاب مرکزی شوروی رنجبران ایران.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مراومه و نظامنامه

ایران

گفته اتحاد اسلام
الله أكبر
(کیلون)

۱۳۳۶

مقدمه مقصد

تاریخ این کشور قدیم و مهد مدنیت که گهوارهٔ انسانیتش توان نماید بهترین شاهد زنده و بیکوتربین دلیل پاینده برای اثبات مزایا و استحقاق ولایات اطری در محاکم عالی قیام ملل تازه بر سره تمدن رسیده دنیا است ولی مع التاسف از بدو مشروطیت که دوازده سال از عمر پرتوش وادعاش آن سپری شده دشمنان خارجی با کمک و مظاهرهت خائنین داخلی آنی از دسیسه کاری و نیرنگ بازی در اهدام استقلال و تسریع دوره استرقاق با غفلت و تالی را روا نداشته و لحظهٔ ما را از دفاع بی سلاح فارغ نگذاشته اند که بخود پرداخته که جوهر نوری خود را بروز داده و مانند سایر ملل حبهٔ عالم لافله عقب مانده خود را بر منزل ارتقا و تکامل رانده و دورهٔ زهد و تمیز خود را بدون تلاقی و تصادف با سکنه و وظیفه و احساس مشار مداخلات نامشروع این و آن اتعاع و امتداد دهیم تا اینکه افکار رفیق و احساسات معصومانه و ظالمانه مدودی از علاقه مندان





اسلامیت و اسرائیت و جبار متقم و روح مقدس
 مؤسس آئین مطهر اسلام استعدت طلبیده تقریباً
 از سه سال قبل تا امروز در زوایای جنگل گیلان
 پیام باحیای ایران و اعاده انتخاب تاریخی این سر
 زمین نموده و در عین کشمکش و مبارزه و بدل
 مجاهدت در افانظه افکار عمومی از میان خود مؤسسه
 بازم کتیبه اتحاد اسلام تاسیس و اجرای مقصد
 و مرام خود را بجهت آن محول نموده و از ارباب
 انصاف و وجدان یاک و اصحاب فکر و ذوق سلیم
 علی الخصوص از عموم فرق آزادیخواه و داندگان
 مسائل سیاسی تقاضا مینمائیم که دست اتحاد
 و اتفاق بهم داده این کشتی شکسته - این زودق
 طوفانی - این وطن بلا دیده این سرزمین محن
 کشیده - این ملت هستی بائش سیرده - این گروه
 اسرده و پژمرده را بشاهراه نجات و ارتقاء
 و بصراط المستقیم مدینیت و تکامل سوق داده بایستایی
 باز و چیره گشاد. متفقاً اعمال و طبقه نموده از
 بارگران مسئولیت تخلیص گریبان کرده و از خود
 نلی در صفای روزگار یادگار بگذاریم

مرامنامه جمعیت اتحاد اسلام ایران

- (۱) حفظ استقلال و تمامیت مملکت ایران و رفع تجاوزات اجانب
- (۲) تحکیم مبانی حکومت ملی
- (۳) محافظت اصول و قوانین مقدسه اسلام با رعایت احترام سایر ادیان
- (۴) ایجاد نظام ملی متحدالشکل برای اجرای مقصود
- (۵) اعمال مظاهر تامة در رفع تعدیات و اجحافات از طبقه بزرگان و صنعتگران و سوداگران و عمده‌جات
- (۶) تکريم عموم فرق آزاد بخوان بدون ملاحظه نژاد و ملیت
- (۷) نسخ و الغاء تحمیلات و عوارضات غیر قانونی
- (۸) تشکیل محاکم برای مجازات خائنین بدون ملاحظه رتبه و مقام
- (۹) اصلاح ادارات بر طبق اصول بیم و امید
- (۱۰) تعلیم اجباری و حفظ خصایص ملیت
- (۱۱) نظام ملی و اجباری است
- (۱۲) مالیات از عایدات مأخوذ خواهد شد



تشکیلات جمعیت اتحاد اسلام ایران
 تاسیسات جمعیت اتحاد اسلام عبارت است از دسته
 چات کمیته های محلی - کمیته های ایالتی
 و ولایتی - کمیته مرکزی

شرایط عضویت

- (۱) عضو باید مسلمان - ایرانی و دارای سابقه پسندیده
 بوده سن او کمتر از هیجده نباشد
- (۲) قبول عضویت منوط بتقاضای کتبی داوطلب
 باشد اسم خود و فامیل و محل تولد و مکان اقامت
 و تذکار اسامی امخاص معروف خود و تصویب
 اکثریت اعضاء کمیته است
- (۳) اعضاء مجبورند بر طبق مقررات نظامی
 جمعیت داخل در نظام ملی شده مگر کسانی را
 که قانون نظام استثناء مینماید

تشکیل کمیته

- (۴) در صورتیکه عده اعضاء از یکصد و پنجاه نفر
 تجاوز نکرد کلیه افراد در محلی تجمع کرده

هفت نفر از میان خود با کثرت نامه باسم کمیته
ایالتی یا ولایتی یا محلی انتخاب نمایند
(۵) هر گاه عدد زیادتر از یکصد و پنجاه نفر شدند
نفرات قدیم بدسته جات ده نفری شده هر دسته
از بین خود یک نفر را برای انتخاب اعضاء
کمیته بمحل انتخاب اعزام میدارند

ترتیب انتخاب

- (۶) انتخاب باید عمومی - مخفی - مساوی و متناسب باشد
- (۷) کمیته ها باید سری باشند
- (۸) اخذ و استخراج آراء توسط امانتی خواهد بود
و در آنه قبلا از طرف انتخاب کنندگان معین شدگان
- (۹) کمیته های ایالتی و ولایتی از بموثین کمیته
های محلی و نمایندگان کرسی همان ولایت
و ایالت تشکیل میشوند
- (۱۰) کمیته مرکزی از بموثین کمیته های ایالات
و ولایات انتخاب خواهد شد



۶

(۱۱) محل کمیته مرکزی موافق در کیلان خواهد بود

(۱۲) کمیته‌ها دارای مهر مخصوص با نام همان ایالت یا ولایت باشند خواهند بود

وظایف کمیته‌ها

(۱۳) انتظام جمعیت و اجرای قطعنامه‌ها و احکامات کمیته مرکزی از وظایف کمیته‌های ایالات و ولایات و محال است

(۱۴) کمیته مرکزی زمام امور جمعیت را در دست گرفته و اجرای مواد مرانامه را برواق انتظامات جمعیت عمده دار خواهد بود

(۱۵) اوامر و احکام صادره از کمیته مرکزی نسبت به کمیته‌های ایالتی و ولایتی و محلی متبع و احکام صادره از کمیته‌های ایالتی و ولایتی و محلی نیز در مناطق نفوذ خودشان لازم الاجرا است

(۱۶) کمیته مرکزی مکلف است قبل از انعقاد دوره مسئولیت خود نمایندگانی از ایالات و ولایات را دعوت کرده تا مجلس نمایندگان در موقع انتخاب

کمیته جدید حاضر و مهیا باشند

(۱۷) کمیته مرکزی باید برای وقت انعقاد مجلس نمایندگان عمومی راپورت عملیات خود را حاضر کرده در آن مجلس قرائت نماید

(۱۸) منابع عایدات و تعیین بودجه جمعیت بسته به پیشنهاد کمیته ها و تصویب کمیته مرکزی است
(۱۹) کمیته های ایالتی و ولایتی و مرکزی و محلی باید دخل و خرج خودشان را هر ششماه بکده اعلام و انتشار دهند

(۲۰) دوره رسمیت کمیته ها یکسال خواهد بود
(۲۱) مجلس نمایندگان کلی تاگزینک جمعیت را برای یکسال مین کرده و نیز جرح و تعدیل نظامنامه از وظایف آن است

(۲۲) کلیه مواد این نظامنامه قابل جرح و تعدیلست

(۲۳) مادامیکه کمیته مرکزی انتخاب نشده است

کمیته ایالتی کیلان قائم مقام آن خواهد بود

-تتمیم-

(۲۴) هر يك از اعضاء باید دارای ورثه هورت باشند



مراثنامه

— نرقة سببى دموركران ايران —

عالميون



ز چاپ پنجم

۱۳۲۹



دعوت به جرات و انا الا حق الجانه
نور محمدی جلالت



سرامنامه فرقه دموکرات ایران

— مقدمه —

هر اندازه که ترقیات عالم پیشرفت کرده آلات و ادوات صنعتی و روابط تجاری و مناسبات مدنی افزوده میشود — بهمان اندازه حرکات تحریر برسانه مثل مخافت دینساز بر روی طرفی که بشر را به یگانه آرزو و آمال واحد انسانیت میرساند با کمال روشنی وسعت پیدا میکند .

با سرعت دائمی قوی‌السادۀ که وسائل مدنیۀ سیر میکند افکار بشریت نیز بهمان نسبت با یک طرف تکامل ترقی نموده و بهمان درجه از دوره نوحش و آثار پداوت دور میشود .

قوای قاهره عنصریۀ طبیعت در مقابل اهمیت و فعالیت بشری و آثار اعجازیۀ علمیه و صنعتیه و تسلیح خلبه و مظالمی که بتدریج لز آن آثار ظاهر میشود

روز بروز مغلوب میگردد و همان نسبت مغلوبیت ،
 تضاد معیشت نیز ، که افراد انسان را از هم جدا بگرداند
 دور انداخته ، بتدریج مرتفع میشود :
 از جمله نتایج مستحصه این تکامل آنکه : عالم
 بشریت برای مبارزه با دشمن عدوی خود که
 طبیعت است احتیاج خود را با تفاق و اتحاد بخوبی
 حس کرده همانطوریکه بدو اقوام مختلفه کماثر مشابه
 جداگانه تشکیل یافت بود ، ملل و دول بزرگ تاسی
 نموده ، هم بیوسته ، ببلایه امروز برای رسیدن
 بقصی آمال بشریت بلا فرق مذهب و ملت شروع
 بانسال و اتحاد نموده و فرقه‌های بین المللی تشکیل می‌کنند
 تمام ترقیات عالم ، کل مجاهدات بشر ، همانا
 عموماً دوبخلاف آن دیره سعادت و حریت و مساوات
 که آمال مکتوبه عالم تمدن است ، می‌شناهد .
 این حرکت مانند رودخانه رفته رفته رفته جمع
 گشته غنات زده‌گانی را که در اطراف و اکفاف مانده
 و خود را از سیل ترقی عدوی کنار و محفوظ





می پندارند بابلان خروشان خودشسته و می برد
 این سیل حریت که منعمی در ظهور کابینا لیزم
 [سرمایه داری] بوده و از اروپا شروع کرده
 سد های فنودالیزم [ملوک الطوائفی] را که در
 راه جریانی موفت میکرد - چنانچه تاریخ تمدن
 شهادت میدهد - شکسته بآب - سرعت ورق انصوری که
 مظفریت خود را بنام عالم نشان میداد بجریان آمد
 بجدی که شرق زمین نیز آن گرفتاری در چنگال آهنین
 استبداد و سرکرمی بخواب کران فنودالیزم و هرج و
 مرج ازان سرایت خودداری نتوانست

قرن بیستم برای شرق همان است که قرن نهم
 برای مغرب غربیه بود یعنی دوره تجدید است که
 آسیا که قسم اعظم بشریت را تشکیل میکند بپیش
 و هرچنان آمد و فنودالیزم مناسل در پنجا دوره
 خود را بقوه جدیدی واگذار نموده بمهاجمات
 حمله برانداز کابینالیزم دارد تسلیم میشود -
 ایران نیز ، که در عائله بشریت اولاد فقیر

است . ممکن نیست که باین تبدلات ضروریه که آثار تکامل عالم است . محکوم نیاند و بتواند رو بپای پوسیده استبداد مطلق و اساس از کار افتاده خود الیزم قائم بماند . تاگر بر از نوحه بود و ناسیاً بایستی در جانی را که تمام افراد عائله بشریت از گذشته تا کنون طی نموده امتحانات تاریخیه خود را در او بشاهراه کاروان بشریت افتاده و باهوان و ا خویشتن . که رهروان متبها آمال بشریتند و سرانجام عذیبه جلو افتاده و میروند . برسد .

اینک همین فلاکت ها و زحانیکه ابرایان چند سال باین طرف متحمل آنها هستند و قربانی که داده اند و خونها که ریخته و خانها که بر باد داده اند . همانا برای کمیستن و تخمیر اسارت و انبادهای - بآنکه بر آنها بود - و تحصیل حق و استحقاق يك حال آزاد بشریت بوده است ؟

حالا دیگر آن اسارت و مغالوبیت بر طرف و مغلوبه دیده اکن . تصور هنوز بدست نیامده و پیرای رده



بکاروان ترقی باید وطن را که يك حال انحطاط و اضمحلالی
افتاده آباد نموده و شکوه اعدانیت که در بدن مسایقه
عالم با هم راهان تندبای ، که بکمال سرعت میروند همقدم
توانم شد .

اشما ورد بجهت سبيله دست میدهد ؟

برای اینکه بتوان باین سئوال جواب داد ، لازم
ست اوضاع حالیه ایران و بحرانی را که از آن میگذرد
گملا دانست :

ایران در هیچ تاریخی بحال اضطراب و پسران
امروزه اش نیفتاده .

این مملکت که از اقدم دول عالم است ، نظیر این
قوال را که در حال کنونی مبتلای آنست در تاریخ خود
ندیده اگرچه ایران در تاریخ چند هزار ساله خود به
پس ، پسران و اعتراضات مملکوم شده ولی انها قط
از جهت سیاسی بوده و حال کنویش يك انقلاب
اشماهی و سیاسی میکنند .

قود الیزم منسوخ و کهنه شده بکایت الیزم که



فرمانفرمای امروزه است متحول میشود، همین است
 آزمانی که روزهای مشوش خواهد گذرانید،
 مملکتی که باسول قرون وسطی امرار حیات کرده
 چون احساس نموده که دیگر بدینصورت امکان مداومت
 نخواهد داشت، میخواهد بشکل مملکت قانونی پیچد
 فقط از یکطرف موجود نبودن آلات و ادوات لازمه
 این تبدیل شکل و از طرف دیگر رفاهت سرمایه خارجی
 آن را تضییق نموده به اشکالات بزرگ دچار می
 نماید.

برای اینکه عدم اصول و انتظامی را که مدت مطهر
 مسئولی آن بوده و حسن تا فرمانی و آناشنی را که در
 سنوات انقلاب اخیر احداث شده دور نموده است حکومت
 قانونی قوی تشکیل و تقویت حکومت سرکتری را بشود،
 اعدای پیدم مملکت سرایت داد، و نیز برای آنکه سرمایه
 سرمایه ملی را بیک درجه رقابتی که در مقابل تضییقات
 خارجه بتواند ایستاد رسانید، لازم است ایران جدید را
 باین طرز اداره در آورده و بر روی چنان اساس هایی



۹

گذاشت که برای قابلیت معاونت در زحمات ترقی پرورانه
 که عائله بشریت مبتلای آنست، يك عضو مستعدی گشته
 هم خود را از حال اسف اشغال امروزه نجات بدهد
 وهم در رسیدن بان سعادت ابدی که یگانه آمال انسانیت
 است رتبه يك معاون کافی را احراز نماید،
 پس محض اجرا و از قوه بفعل در آوردن این
 مقاصد عالیله ارباب معارف را که مع الناس مقدارشان
 خیلی کم است و اشخاص باناموس وطن پرست را که
 که وجود آنها بی نهایت منقسم پیش از هر چیز
 لازم و منجّم است که در دایره يك فرقه سیاسی
 انحصار مساك و توجید حرکت نموده برای حفظ
 آزادی و استقلال مملکت و ابقای مشروطیت اصول
 اداره آن را بروی چنان بنای مبنی گذاشت که در
 راه ترقی و تکامل بقدر امکان از مشکلات مختلفه
 عبیه آزاد بوده و بشاه راه قافله بشریت اقدام بلامانع
 برود.

بنابراین فرقه ده و گزات ایران که برای چنین مقصد

حالی تأسیس شده سعادت آتیه وطن را فقط در انحصار
صنف عامه مملکت که اکثریت اهالی را تشکیل
میکند و ترتیبات مقتضیه حال آنها دانسته و دیده
برای آنکه ایران تجدد پیدا را يك دولت دموکراتیک
کرده و زمام حکومت را همیشه بدست عامه ملت که
قسمت اعظم آن را تشکیل مینماید بدهد
مطالبات آتیه را در خواست میکند :

— اول —

در ترتیب سیاسی

متمم فرقه دموکرات محافظت اصول مشروطیت
حامیه است در برابر اینی بر ترتیب انتخاب همو
و انفاء و نسخ امتیازات و صنوف ممتازه بین ملت
ابطال اصول مذمومه تشخیصات .

ماده اول — قدرت طالبه دولت جمع خواهد
شد در دست مجلس شورای ملی که فقط آن حق
وضع قوانین خواهد داشت .

ماده دوم — وزراء در مقابل مجلس شورای



ملی مسئولند و باید از مجلس انتخاب شوند .

— دوم —

حقوق مدنی

ماده اول — تساوی همه افراد ملت در مقابل
دولت و قانون بدون فرق نژاد ، مذهب و مابیت .
ماده دوم — مصونیت شخص و مسکن از هر
نوع تعرض .

ماده سیم — آزادی کلام ، مطبوعات ، اجتماعات
جمعیت ها و تمطیل .

ماده چهارم — حریت اقامت و مسافرت .

— سیم —

قانون انتخابات

ماده اول — انتخاب باید عمومی ، مساوی ،
مخفی ، مستقیم و متناسب باشد .
شعبه — در جاهائی که انتخاب مستقیم ممکن
نیست یا چار انتخاب با واسطه معمول میشود .
ماده دوم — هر يك از افراد ملت که بالاتر از



بیست و یکسال دارد حق انتخاب کردن و آنانکه بیست و
از بیست و پنج سال دارند حق انتخاب کردن و شدن
هر دو را دارند .

— چهارم —

قضایوت

ماده اول — قوه فضاویه از قوه اجرائیه مجزیه
و منقک است .

ماده دوم — محاکمه برای همه افراد ملحق
مساوی و سریع است . موقوفین باید علت توقیف
خود را تاییدت و چهار ساعت بدانند .

ماده سوم — موقوف زندان اجرت محاکمه بدریج

— پنجم —

امور روحانی و معارف

ماده اول — انکاک کامل قوه سیاهیغاز
قوه روحانیه

ماده دوم — تعلیم مجانی و اجباری برای
همه افراد ملت .



ماده سوم — توجه مخصوص در تربیت نسوان

— ششم —

دفاع ملی

ماده — اول خدمت عسکر به اجباری است برای همه افراد ایرانیان ، هر يك از افراد قدردست ملت باید دو سال در قشون تحت السلاح خدمت نماید ،

— هفتم —

اصول اقتصادی

ماده اول — مالیات مستقیم همیشه — حق لامکان بر مالیات غیر مستقیم مرجح و مقدم است. مع هذا مالیات های غیر مستقیم که برای ترقی و توسعه صنایع داخله ضروری است مجتهد نخواهد بود ،

ماده دوم — طرح مالیات به روی عایدات ،

ماده سیم — موقوفی امتیازات در کارهایی که

اسباب ارتزاق عمومی است ،

ماده چهارم — منسوخ شدن مستعریات بتدریج ،

ماده پنجم — کاپه موقوفات در تحت نظارت



واداره دوات بوده و عائدات موقوفات عمومی
 صرف معارف عمومی و امور خیریه خواهد شد ،
 ماده ششم - منسوخی - سخره و بیگار ،
 ماده هفتم - رود خاها و جنگها و جراکها
 عمومی و معادن باید منطبق بدوات باشد
 ماده هشتم - مخرب بودن کار و مزدوری برای
 اینکه به چهارده سال رسیده باشد ،
 ماده نهم - محدود بودن مدت عمل در شبانه
 روز منتهی بده ساعت ،
 ماده دهم - استراحت عمومی و اجباری
 یکروز در هر هفته ،
 ماده یازدهم - مواظبت بلوازم عمل و حفظ الصحة
 کارخانه جات ،
 ماده دوازدهم - منع احتکار غلات بواسطه طرق
 مالیات - نکن ،
 ماده سیزدهم - معامله مالکین با برزگران
 و دهاتیان در خصوص هر نوع بدهی آنها و حقیقتا



رئیی وهم چنین معامله دولت در هر نوع امور مالیاتی
و عسکری و غیره در تمام ایران بطور تساوی تحت
یک قانون عادلانه خواهد بود ،

ماده چهاردهم — همه نوع عوارض و ماخوزات
و تحمیلات از طرف مالکین بر رعایای غیر از حقوق
قانونی به مراسم و رسم از تعارف و هدایا و سایر بدعتها
کلا و جزا منسوخ و موقوف و مستلزم مجازات خواهد بود
ماده پانزدهم — حکومت از باب و ممالکین در اراضی
خود و ریه یکی در امور مدنی و ملکیه و حکم در جنایات
و تعسیرات از هر نوع بکنی منسوخ و تبدیل بحکم مامورین
دولت و حکم باید بشود ،

ماده شانزدهم — اخراج و تبیید دعائی از مسکن
خود ممنوع است

ماده هجدهم — تقسیم اراضی خالصه بزارعین
و رعایا و فراهم آوردن اسباب همین ترتیب در املاک
اربابی بوسیله تاسیس شعب با یک زراعتی در بلوکات و
دادن حق تقدم خرید بزارعین در موقع فروش ،

چاپ طهران مطبعه حبل المتین

